

کتاب عکس بوشهر؛ بهمن جلالی

بهمن جلالی از سرشناس‌ترین عکاسان دوران معاصر ایران است که تحصیلاتش در حوزه اقتصاد بود و عکاسی را به شکل کاملاً تجربی آموخت. جلالی نقش پر رنگی در تربیت نسل تازه‌ای از عکاسان جوان پس از انقلاب داشت. کتاب «عکس بوشهر» که عکس‌های بهمن جلالی طی ۳۲ سال عکاسی (۱۳۵۳-۱۳۸۵) را در برمی‌گیرد، شامل ۶۷ عکس از معماری سنتی در حال ویرانی بندر بوشهر، به دلیل عدم رسیدگی و بازسازی و تا حدی فضای کلی آن منطقه است. عکس‌ها ۱۱ سال بعد از اتمام پروژه در قالب کتاب منتشر شده‌اند زیرا همان‌طور که در مقدمه کتاب از زبان همسر او -رنا جوادی- آمده است، جلالی اعتقاد داشت ارائه عکس در قالب کتاب باعث ماندگاری و در دسترس بودن برای مخاطبان بیشتری می‌شود. مجموعه‌ی عکس بوشهر در ۱۰۰ صفحه‌ی خشتی از جنس گلاسه با جلد سخت به چاپ رسیده است.

در یادداشت مرحوم جلالی در کتاب بوشهر درباره چرایی ثبت این آثار می‌خوانیم: «شما ممکن است نام بندر بوشهر را در اخبار مرتبط با ساخت اولین پایگاه اتمی ایران که سی سال پیش توسط آلمانی‌ها آغاز و اخیراً توسط روس‌ها در حال اتمام است، شنیده باشید. اما افراد کمی هستند که درباره خود شهر و معماری زیبای آن چیزی می‌دانند. بوشهر یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین بندرهای ایران است و معماری آن تأثیر گرفته از ارتباطش با کشورهای هند و زنگبار است. وقتی برای اولین بار به بوشهر رفتم به شدت تحت تأثیر سبک معماری آن واقع شدم. کوچه‌های باریک که هم معبری برای هدایت نسیم خنک دریا بودند، هم با ایجاد سایه از گرمای طاقت فرسای بوشهر جلوگیری می‌کردند. پس از اولین سفرم به بوشهر، به دفعات به این شهر رفتم و از آن عکس گرفته‌ام. هر بار هم شاهد ویرانی بیشتر بافت قدیمی، تاریخی و زیبای این شهر بوده‌ام.»

عکاسی این مجموعه توجه به معماری سنتی و بدنه شهر بوده است، آدم‌ها در این مجموعه حضور ندارند. آدم‌ها از عکس‌ها حذف شده‌اند تا فضاها بومی‌تر باشد و با چنین روشی هر کسی می‌تواند خودش را در این فضاها تصور کند. در واقع آدم‌ها به شکل فیزیکی حضور ندارند اما داستان آن‌ها در این فضاها جاری است. نبود آدم‌ها به عنوان مهم‌ترین عامل شهری، تعمدی است تا به معنای عمیق تری برسیم.

عکس‌ها در ژانر مستند قرار دارند و در این نوع عکاسی، گاهی عکاس سعی دارد انسان یا موضوعی مربوط به انسان را مورد توجه قرار دهد که در این تصاویر، انسان وجود ندارد اما تأثیرات مخرب آن بر محیط حاکم است.

تعداد زیادی از عکس‌های کتاب به کوچه‌های بوشهر تعلق دارند، شهری که داشته‌هایش زیر زنگار بی‌توجهی در حال اضمحلال است. کوچه‌هایی تنگ، باریک و دراز که درونشان نوری روشنایی بخش وجود ندارد و به همین دلیل عکس‌ها تضاد نوری شدیدی ندارد و خاکستری میانه بر آن‌ها غالب است.

در عکس‌های ابتدایی کتاب عکاس با سوژه‌اش فاصله‌ی زیادی ندارد اما به مرور کادرها بازتر شده و فاصله او نیز با صحنه روبرویش بیشتر و بیشتر می‌شود؛ تا حدی که عکس‌ها در انتها به منظره باز تبدیل می‌شوند، لنز مورد استفاده واید می‌شود و حاشیه سیاهی که در عکس نهایی ایجاد کرده به خوبی مشهود است.

عکس‌ها را که نگاه می‌کنی، ساده به نظر می‌رسند و فاقد عناصر زیباشناسی هستند و عکاس با بهره بردن از عناصری چون کوچه، ساختمان، دریا و... مخاطب را آزاد می‌گذارد تا در نگاه به صحنه‌ای که به تصویر کشیده با او همراه شود.

در میان مستندنگاری کوچه‌ها و ساختمان‌های بوشهر، تعداد زیادی عکس از خرابه‌ها دیده می‌شود و اگر مخاطب تصویری از بوشهر در ذهن نداشته باشد، شهری را متصور می‌شود که جز خرابی و ویرانی چیزی برای گفتن ندارد. تعداد زیادی از عکس‌ها شبیه به هم هستند که می‌توان درباره یکی از آن‌ها حرف زد و آن را به بقیه تعمیم داد. شاید می‌توان چنین برداشت کرد که عکاس دغدغه موضوعی داشته که در واقع به تصویر کشیدن بوشهر با حضوری ساکن و خاموش و فضایی سرشار از سکوت و خالی از انسان است و همچنین نمایش زمین‌های خالی، دیوارهای نیمه ویران، سر درها و سرستون‌های جامانده از ویرانی و... مواردی است که با وجود تنالیت‌های خاکستری این شهر توریستی، تکیده‌تر و تنهاتر به نظر می‌رسد.

با خواندن بیانیه انتظار داریم بوشهر را در مستندنگاری جلالی با شکوه ببینیم. عکس‌هایی که به گفته خودش طی ۳۲ سال سفر به این شهر گرفته شده است و می‌تواند یادآور اثره و ۲۹ سال عکاسی از بناهای کلاسیک و قدیمی رو به زوال پاریس در اثر حرکت به سمت مدرنیته باشد. با این تفاوت که اثره زمانی که پاریس را ثبت کرد شهر هنوز زیبایی‌های منحصر به فردش را حفظ کرده بود و آن عکس‌ها قابلیت ارتقا به یک اثر هنری را داشتند. برخلاف عکس‌های جلالی که به جز چند عکس، بقیه فضایی متروک دارند و بیشتر مستند هستند - در حد ثبت محض - و تاکید زیادی بر زوال و مهجوری دارند.

همچنین انتظار می‌رود پس از این همه سال (۳۲ سال عکاسی از بوشهر) عکاس نگاهی فراتر از یک توریست به منطقه داشته باشد و سوژه را با دید بازتر به مخاطب معرفی کند، جوری که انگار خودش هم بخشی از آن است و کارش نتیجه کشف طی سال‌های گذشته و رفت و آمدهای بسیار است.

در تکرار و بی‌رمقی عکس‌های کوچه‌ها و ساختمان‌های نیمه ویران، اثری چشمگیر از پنجره‌های مشبک هندسی چوبی که در برگزیده سمفونی‌های جادویی شیشه‌های رنگین است و قدمتشان به بیش از یک قرن می‌رسد، نمی‌بینیم.

جلالی فقط به ثبت مدارکی از بوشهر پرداخته است. آیا اگر نام جلالی بر این کتاب نبود اقبالی برای دیده شدن داشت؟ یا مانند مابقی آثار عکاسان کمتر شناخته شده محلی، مهجور باقی می‌ماند؟

